



فلسفه خلقت جهنم و عذاب اخروی/ تفاوت کیفر در دنیا و قیامت

انتقامی که در روز قیامت از تبهکاران گرفته می شود به منظور تشفی و آرامش فرد دل آزرده و آسیب دیده نیست، آنگونه که در انتقام های فردی در دنیا به عمل می آید، و نظیر انتقامی که محاکم قضایی از مجرمان می گیرند نیز نیست.

انتقامی که در روز قیامت از تبهکاران گرفته می شود به منظور تشفی و آرامش فرد دل آزرده و آسیب دیده نیست، آنگونه که در انتقام های فردی در دنیا به عمل می آید، و نظیر انتقامی که محاکم قضایی از مجرمان می گیرند نیز نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، آفرینش دوزخ و عذاب های طاقت فرسای جهنم یکی از مباحث معاد است، که انبوهی از پرسش ها را برانگیخته است. منکران در این میدان تاخت و تاز خاصی دارند، اما پاسخ اصولی و طرح معقول و منطقی "حکمت خلقت جهنم" مقدمه ای را می طلبد.

کیفرها به طور کلی بر دو گونه اند؛

الف) کیفرهای قراردادی و اعتباری که در قوانین جزایی کشورها مرسوم و اجرا می شود.

ب) کیفرهای طبیعی که ثمره ذاتی اعمال است. اگر در قیامت کیفر کردارها و جزای عقاید و سلوک اخلاقی جنبه ذاتی و طبیعی داشته باشد زمینه هر گونه اشکال و پرسش را منتفی می سازد، ولی اگر کیفرها رنگ قراردادی و جنبه اعتباری داشته باشد، سوالات و اعتراض های زیادی را برمی انگیزاند که اولین پرسش انگیزه خلقت عذاب های اخروی است.

فلسفه کیفر در دنیا گاهی تشفی خاطر و آرامش و رضایت باطنی مظلوم و زمانی اصلاح و تربیت مجرمان و در مواردی اصلاح جامعه و عبرت گیری افراد یا احقاق حقوق ستمدیدگان و پیشگیری از متجاوزان است. چرا که قوانین کیفری و جزایی در میان نباشد بعضی از اشخاص شرور و ناهنجار ممکن است به جنایات هولناکی دست بزنند. این گونه قرار دادها و اعتبارات عقلایی برای زندگی دنیا معقول و منقی است، ولی در عذاب های آخرت این انگیزه ها موضوعیتی ندارد، زیرا قیامت، کانون جزا و پاداش است نه مرکز عمل و کردار.

انتقامی که در روز قیامت بر اساس آیه 22 سوره سجد (انا من المجرمین منتقمون) از تبهکاران گرفته می شود به منظور تشفی و آرامش فرد دل آزرده و آسیب دیده نیست، آنگونه که در انتقام های فردی در دنیا به عمل می آید، و نیز نظیر انتقامی که محاکم قضایی از مجرمان می گیرند، نیست، زیرا هدف مهم آن برقراری نظم و امنیت اجتماعی است، که در قیامت مجالی برای این قبیل هدف ها و جود ندارد.

احقاق حقوق مظلومان در دنیا مطلوب است، ولی در آخرت ثمری ندارد، مگر این که گناهان مظلوم به ظالمان و ثواب های ستمگر به ستمدیده منتقل گردد، زیرا ستمگران به جبران حقی که از ستمدیدگان ضایع کرده اند، سزاوار چنین عذابی هستند. گرچه بعضی می گویند خداوند متعال می تواند اجر مضاعف به ستمدیده عنایت کند و گناهانش را بدون نقل و انتقال ببخشد. در پاسخ گفته می شود خدای منان در این گونه موارد مختار است، زیرا این عمل خلاف عقل و عدالت نیست بلکه می توان گفت فلسفه عذاب اخروی مقتضای عدل الهی است، چون اعطای ثواب از باب فضل است، ولی عذاب به سبب عدل است. در دعا می خوانیم "یا من لا یخاف الا عدله و لا یرجی الا فضله".

ترس از عدالت در واقع به دلیل کیفر کردار زشت است. از این رو یکی از مفاهیم عدل را قرار دادن هر چیز در جایگاه خود دانسته اند. گذشته از تحقق عدل کلی در قیامت اصولاً پیاده شدن و عده وعیدها ایجاب می کند مجرمان به مکافات برسند.

البته این نوع پاسخ می تواند عذاب های موقت را توجیه کند، لیکن برای فلسفه عذاب ابدی راه دیگری را باید جست. ولی اگر اصل پاداش و کیفر را مقتضای عدالت و ضرورت تحقق نویدها و تهدیدهای الهی به شمار نیاوریم، فلسفه جعل تکلیف در دنیا بیهوده و عبث خواهد شد که آن از خدای حکیم واقع نمی شود. گذشته از این که مهمترین عامل ضمانت اجرای مقررات الهی نیز از میان خواهد رفت.

برخی گفته اند مجرد انذار منهای عمل به آن، برای ضمانت اجرایی کافی است، در صورتی که وعده و تهدید به عذاب نمی تواند عامل باز دارنده باشد، بلکه وعده به نعمت ها و عذاب به اضافه تاثیر عمل به احکام الهی در مصالح دنیوی و بهتر زیستن می تواند کارساز باشد.